



«شهربانو» زنانه نیست درباره یک زن است!

گفت و گوی «شهروند» با مریم بحرالعلومی، کارگردان «شهربانو»
که فیلمش به صورت آنلاین اکران شده است

ماهه - برای فرارسیدن زمانی که شرایط برای اکران فیلم‌های اجتماعی مناسب‌تر شود - شاید به نفع من و فیلمم نباشد. آن هم در شرایطی که هنوز و همچنان بیماری کرونا دست از سر ما برنداشته و هر آن این امکان وجود دارد که یک بار دیگر بازگردد و موج جدیدی ایجاد کند. در واقع در شرایطی که عملاً چیزی تغییر نکرده و تنها اتفاقی که افتاده این بوده که ما مردم به این شرایط عادت کرده‌ایم؛ ترجیح دادیم که فیلم «شهربانو» را هر چه زودتر فیلم در بستری که برای مردم شناخته شده است و در این چند وقتی هم که از کرونا گذشته به خوبی از آن استقبال کرده‌اند، نمایش دهیم.

می‌توانید بگویید که آیا از همان ابتدای ساخت این فیلم، آیا در پس و پشت ذهن تان به گزینه‌ای از جنس اکران آنلاین یا نمایش تلویزیونی فکر کرده بودید؟
در پاسخ به این پرسش اولین نکته‌ای که باید بگویم این است که نه. یعنی من هم مانند هر فیلمساز دیگری در یک شرایط نرمال ترجیح می‌دادم فیلمم را در سالن سینما نمایش دهم. دلیلش هم خیلی ساده است. چون من «شهربانو» را با استانداردهای سینمایی برای نمایش بر پرده بزرگ سینما ساخته‌ام و طبیعی است که با چنین نگاهی چشم‌پوشی از اکران سینمایی کار دشواری باشد.

یعنی حتی نمی‌شود به اکران محدود اما بلندمدتی مانند اکران در گروه هنر و تجربه فکر کرد؟
مسئله من این نبود که «شهربانو» در چه گروهی اکران شود که اتفاقاً در آن صورت پخش‌کنندگان خوبی هم بودند که فیلم را دوست داشتند و می‌خواستند آن را در اواخر سال جاری اکران کنند. مسئله ما این بود که در شرایط حال حاضر ما آیا کسی اصلاً به سینما می‌رود یا نه و آنهایی هم که این ریسک را می‌کنند و به سینما می‌روند، چند درصدشان فیلمی مانند «شهربانو» را - در میان کمدی‌های روی پرده - برای تماشا انتخاب خواهند کرد.

پس دوباره برگردیم سر جای اول. چه شد که این تصمیم را گرفتید؟ به خصوص با ترکیب بازیگران فیلم‌تان که چندان هم بی‌ستاره نیست و بعید نبود شماری از سینما داران بدان‌شان نیاید فیلم شما را در سالن‌های خود به نمایش بگذارند.
ببینید؛ برای اینکه شرایط مساعد و مناسب شود و بشود به اکران یک فیلم اجتماعی از جنس «شهربانو» در سالن‌های سینما امید بست، در حال حاضر شاید بتوان گفت که حداقل ۶ ماه دیگر زمان این کار خواهد رسید. من اما به عنوان کارگردان این فیلم احساس کردم این انتظار دستکم ۶

«یکی از بدترین مجازات‌ها این است که وسط یک اشتباه ناخواسته یا یک خواسته اشتباه، خودت رو حبس کنی تا ابد... جوری که انگار، نه راه پس داری، نه راه پیش. نه جای موندن و نه چون رفتن!»
آنچه در پی می‌آید گفت‌وگویی است با مریم بحرالعلومی درباره دومین فیلم بلند کارنامه کارگردانی این فیلمساز که چند وقتی است در دو پلتفرم نماوا و فیلمبو به صورت آنلاین اکران شده است.

چه شد دست از اکران فیلم در سینماها کشیدید و تصمیم گرفتید «شهربانو» را به صورت آنلاین اکران کنید؟

البته این یک تصمیم شخصی نبود و در روند همفکری با پخش‌کننده فیلم اتخاذ شد. اما در پاسخ اینکه چرا تصمیم گرفتیم که «شهربانو» را به صورت آنلاین اکران کنیم؛ دلیل اصلی‌اش شرایط سینمای ایران در این دو سال رکود کرونایی است. دو سال تعطیلی نسبی در اثر هجوم ویروس کرونا که باعث شد شرایط نامناسب و نامطلوبی بر سالن‌های سینما حاکم شود و فیلمسازانی مانند من را به این نتیجه برساند که شاید اکران آنلاین برای فیلمی مانند «شهربانو» بهتر و مناسب‌تر و منطقی‌تر باشد.

پولاد امین، شهروند | این روزها فیلم «شهربانو» به کارگردانی مریم بحرالعلومی به صورت آنلاین اکران شده و به نحو شگفت‌انگیزی نیز مورد اقبال و استقبال مخاطبان قرار گرفته است. فیلم دوم کارگردان «پاسیو» برنده سیمرغ بهترین کارگردان آسیایی سی و هشتمین جشنواره جهانی فیلم فجر با موضوع و داستانی اجتماعی درباره زنی به نام شهربانو، مادر سه فرزند که به جرم انتقال مواد مخدر به حبس ابد محکوم شده و حالا پس از ۱۱ سال زندان، برای شرکت در عروسی پسرش برای چند روز از زندان آزاد می‌شود. یک آزادی موقت چند روزه که شهربانو و خانواده‌اش را به درک و دریافت جدیدی از خود و زندگی‌شان می‌رساند.

«شهربانو» که در مدت زمان روایت داستانش، با بازی فرشته صدرعرفایی، بهناز جعفری، گلاره عباسی، سامان صفاری، بهرنگ علوی، یوسف تیموری و مه‌لقا باقری، روندی را که باعث می‌شود شهربانوی داستان در طول آزادی موقتش با جنبه‌های دیگری از زندگی خود و خانواده‌اش روبه‌رو شود، نمایش می‌دهد؛ به گفته مریم بحرالعلومی یک فیلم مادرانه است. و البته خانم کارگردان در جایی دیگر به جای خلاصه داستان فیلم «شهربانو» نیز گفته که فیلمش درباره این مفهوم است که

«شهربانو» به عنوان یک فیلم اجتماعی تلخ

نمی‌توانم فیلم را شیرین کنم!

تلخی این فیلم و فیلم‌هایی مانند این به بستر و فضای داستانی آن برمی‌گردد. یعنی همان چیزی که باعث می‌شود «شهربانو» یا هر فیلم دیگری تبدیل به یک فیلم اجتماعی شود. چون وقتی یک فیلم می‌خواهد اجتماعی باشد، به این معناست که می‌خواهد از اجتماع خودش بگوید و این هم طبیعی است که در هر اجتماعی، از میان داستان‌هایی که برای روایت کردن وجود دارند، کفه معضلات و مشکلات سنگین‌تر از شادی‌ها و شادمانی‌ها خواهد بود. به عبارت بهتر فیلمی که انتخاب می‌کند اجتماعی باشد، به احتمال زیاد فیلم شادی نخواهد شد.

یعنی ساخت یک فیلم اجتماعی شاد ممکن نیست؟
این چیزها بستگی تام و تمام به داستانی دارد که قرار است تعریف شود. داستانی که به هر حال به نوعی به پایان خواهد رسید و اتفاقاً این پایان بندی نقش مهمی در شیرینی یا تلخی یک فیلم می‌تواند داشته باشد. در همین «شهربانو» در پاسخ به سوال شما، من تمام تلاشم را کردم که یک پایان بندی امیدبخش داشته باشیم. پایانی که باعث شود وقتی تماشاگر فیلم را دید، با انبوهی ناامیدی و نامردی و تلخی تنها نماند. اما در روند داستان و فیلم و تلخی یا شیرینی آن، فراموش نباید کرد که تنها تا این حد می‌توان دخالت کرد و مثلاً غلظت شیرینی یا تلخی آن را کاست یا افزایش داد. بیشتر از این یا به عبارت بهتر اصرار برای شیرین‌تر کردن آن جواب نمی‌دهد و حتی شاید دافعه هم ایجاد نکند.

درباره بستر اجتماعی روایت فیلم چه؟ نمی‌تسیدید این نوع روایت - که در سال‌های اخیر درصد قابل توجهی از فیلم‌های غیرکمدی ما در آن فضا روایت می‌شوند - برای مخاطبان سینما تکراری شده باشد؟
خب من در این مورد حرف زیاد دارم. وقتی درباره تعلق درصد قابل توجهی از فیلم‌های غیرکمدی به یک نوع سینما صحبت می‌شود، می‌تواند برای بسیاری سوال برانگیز باشد. اما این وسط این مسئله مطرح نمی‌شود که سینمای اجتماعی یک ژانر نیست، یک بستر است که حتی همان فیلم‌های کمدی هم می‌توانند در آن روایت شوند و حداقل بیشترشان هم این ادعا را دارند. در این زمینه البته این سوال هم می‌تواند پرسیده شود که وقتی از احتمال تکراری شدن فیلم «شهربانو» پرسش می‌شود، واقعا منظور چه نوع تکراری است؟ وگرنه اگر تنها جنس روایت مدنظر باشد، می‌توان پرسید که مگر چند جنس روایت داریم؟ اما اگر منظور از شباهت، شبیه بودن فضای داستانی و موضوعی فیلم باشد، در آن صورت واقعا حداقل برای خود من این کنجکاوی به وجود می‌آید که بپرسم مگر سینمای ایران چند فیلم شبیه «شهربانو» دارد که حالا احتمال تکراری بودن این فیلم نگران‌کننده باشد؟ فیلمی که داستان مادری را روایت کند که متهم اصلی بیشتر شکست‌ها و ناکامی‌های خانواده‌اش است.

بسیاری «شهربانو» را به نوعی تلخی متهم کرده‌اند. این انتقاد را وارد می‌دانید؟

آیا «شهربانو» یک فیلم زنانه است؟

فیلمی با بوی مادر...

جز این اما هیچ نشانه دیگری از زنانگی در فیلم نیست و حتی در متن و کارگردانی و حتی بازی‌ها هم تلاش شده از تاکید بر وجوه جنسیتی کاراکترها پرهیز شود.



اما برویم سراغ خود «شهربانو». فیلمی زنانه در بستری اجتماعی.

من قبلاً در چند گفت‌وگوی دیگر هم گفته‌ام که «شهربانو» بیش از اینکه یک فیلم زنانه باشد، فیلمی با یک نگاه مادرانه است. در واقع این درست است که شخصیت اصلی فیلم یک زن است، اما گذشته از اینکه مادر بودن این کاراکتر بر زن بودن او مقدم است، این موضوع را هم تلاش کرده‌ایم رعایت کنیم که فیلم سوگیری جنسیتی خاصی نداشته باشد و تعادل جنسیتی در روایت فیلم برقرار بماند.

یعنی چگونه؟

اینکه در صد درصد لحظات فیلم در کنار زن قصه نیست و در مقابل شهربانو با شخصیت‌های دیگر، خیلی جاها می‌بینیم که حق با مردان قصه است.

اما قطعاً قبول دارید که این نمی‌تواند نافی زنانه بودن یک فیلم باشد.

من کلاً با اطلاق واژه زنانه به چنین فیلمی مشکل دارم و آن را درست نمی‌دانم. ولی چه کار باید کرد؛ جا افتاده دیگر! و عادت کرده‌ایم از این واژه‌ها برای توصیف فیلم‌ها استفاده کنیم. یعنی هر جای یک زن فیلمی درباره یک زن ساخته باشد، می‌گوییم آن فیلم زنانه است. در حالی که حداقل در مورد «شهربانو» این قاعده صادق نیست و این فیلم، یک فیلم مادرانه است. مادرانه‌ای که داستان‌های فرعی زیادی دارد و در هر کدام از آنها زن‌ها و مرد‌های داستان خودشان را نمایش می‌دهند.